



## مجموعه‌ای برای فکر کردن

← در این دنیای شلوغ که هر روز یک فیلم، یک نمایش، یک آلبوم و یک اثر هنری خلق و جلوی چشمان مان به نمایش گذاشته می‌شود، انتخاب کار سختی است. انتخاب اینکه برای تماشای کدام اثر وقت بگذاریم و به آن دل بدهیم. قرار است در این صفحه هنرمندان و منتقدان مختلف دست‌مان را بگیرند و راهنمایی‌مان کنند تا برای آخر هفته‌ها یک انتخاب خوب داشته باشیم. انتخابی که پشیمان‌مان نکند.

### فیلم / ببر سفید

### درستکار و متقلب

**راجر ابریت / منتقد:** «ببر سفید» پرششی اساسی و مهم را مطرح می‌کند: «آیا ثروت را می‌توان از امتیازات ذاتی‌ای که فراهم می‌کند، جدا در نظر گرفت؟» این همان پرسشی است که «ببر سفید» را از لحاظ موضوعی در کنار «انگل» Parasite ساخته یونگ جون-هو و «متأسفیم جا ماندی» Sorry We Missed You اثر کن لوچ قرار می‌دهد. «بالرام» کار آفرینی موفق و مغرور است که به خود می‌بالد؛ کسی که از هیچ به موقعیت فعلی خود رسیده است. رامین بحرانی همان روشی را که برای به تصویر کشیدن شخصیت گای مانتاگ (با بازی مایکل بی. جردن) در «فانتهایت ۴۵۱» به کار برده بود در اینجا برای بالرام استفاده می‌کند. بدین صورت که با استفاده از تصاویر انعکاسی (آینه‌ای) و تکثیر شده، تصویری در هم شکسته از بالرام نمایش می‌دهد. تصویری شکسته که در تقابل با حس یگانگی بدن اشاره می‌شود. بحرانی تضادی درونی در کاراکتر بالرام به تصویر می‌کشد.



در ابتدای «ببر سفید»، بالرام رویه مخاطب، فرمول موفقیت را از نگاه خودش اینگونه تعریف می‌کند: «درستکار و متقلب، معتقد ولوده، حيله‌گر و خالص، همه در آن واحد». بحرانی در دقایق انتهایی فیلم، دیوار چهارم را می‌شکند و بخشی از مضامین بزرگ‌تری را که در طول دوساعت فیلم پرورشان داده است، احضار می‌کند. به این ترتیب، او مخاطب را به شکلی آگاهانه درباره مفاهیم درون جهان فیلم برمی‌انگیزاند. حس تحریک‌کننده‌ای که در تمام مدت زمان تماشای فیلم آن را احساس می‌کنیم. اینگونه است که ببر سفید، در مدت زمان دوساعته خود با هیجان و انرژی زیاد، احساسات مخاطب را هدف قرار می‌دهد.

\* دیوار چهارم اصطلاحی در هنر است که به دیوار نامرئی بین مخاطبان و بازیگران اشاره دارد. شکستن دیوار چهارم هنگامی رخ می‌دهد که هنرمند روی صحنه حرکتی از خود نشان دهد که به معنی درک اواز حضور مخاطبان باشد.



### ببر سفید

**نویسنده و کارگردان:** رامین بحرانی  
با اقتباس از ببر سفید نوشته آراویند آدیگا  
**بازیگران:** آدراش گوراو، پریانکا چوپرا، راجکومار رائو و ماهش مانجرکار  
سال ساخت: ۲۰۲۱

### فیلم تئاتر / کریمولوژی

### هزارتوی قصه‌های شرقی

**رضا آشفته / منتقد و کارگردان تئاتر:** نمایش «کریمولوژی» به دلیل حضور پررنگ تکنیک‌های متفاوت نمایش‌های ایرانی و به کارگیری درست و به قاعده‌شان تبدیل به یک کلاس بازیگری شده است. مجید رحمتی (بازیگر)، اندوخته بسیاری از جنبه‌های بازیگری از نمایش‌های ایرانی را در کنار هم چیده تا بتواند بر ارزش‌های معتبر نمایش‌های ایرانی صحنه بگذارد. این برخورداری از نمایش‌های ایرانی نوعی راستی آزمایی دقیق و بی‌بدیل است که در آن یک بازیگر با توانمندی‌های ویژه به دنبال ابراز داشته‌های ملی است. اما شوربختانه برخی از خودی‌ها به دنبال انکار و کتمان چنین گنجینه ناب و بی‌مانندی هستند که همچون الماس از دل سده‌ها بیرون آمده است. انگیزه روایت زندگی یک مطرب بنام است: کریم شیردهی در حضور ناصرالدین شاه و درباریان با زبان تند، گزنده و دوبهلو



و بی‌پروا از اشکالات رایج آنها انتقاد می‌کند. چنین مردی با چنان هنر، هوش و شعوری کم‌نظیر و بی‌بدیل است. شجاعت او مثال‌زدنی است چون هر آن امکان دارد که سرش را بر باد دهد اما هیچگاه بر باد نمی‌رود، چون می‌داند چگونه باید در بزنگاه‌ها خودی نشان دهد. مسیر دایره‌وار قصه‌های ایرانی و شرقی و هزارتووار بودن خرده‌روایت‌ها نیز جهان متن را برایمان اینجایی‌تری می‌کند. انگار همه چیز باید ایرانی باشد و کارگردان نیز به ناچار در هدایت بازیگران و استفاده از تکنیک‌ها و شیوه‌های نمایش‌ها و خرده‌نمایش‌های ایرانی در زمینه ساختار نهایی اجرا بهره‌مندی‌های لازم و ضروری را برده است.

«کریمولوژی» شکل مدرن و تلفیقی از نمایش‌های ایرانی است که می‌تواند همچنان با پرهیز از کهنگی‌ها زبان حال امروزمان باشد و دیگر آنکه شکل سنتی را به کنار می‌گذارد و با نو شدن جاذبه‌های بیشتری را بر ما آشکار می‌کند.



### کریمولوژی

**نویسنده:** مهران رنجبر  
**طراح و کارگردان:** رضا بهرامی  
**بازیگر:** مجید رحمتی  
**تهیه‌کننده:** نوید محمدزاده

### کتاب / بهشت‌های گمشده

### آدم‌های منصف جهان را نجات می‌دهند

**روبرت صافاریان / منتقد:** هر نسلی کتاب‌های معتبر قدیمی را دوباره می‌نویسد، اما با لهجه و زبان و رد پای خودش.... کتاب‌ها به وسیله نسل‌های کتابخوان غنی می‌شوند. ... بدون شک هملت امروز پیچیده‌تر از زمان شکسپیر است. هملت با برادلی، گوته و بسیاری دیگر غنی و پررنگ شده است. بنابراین کتاب‌ها پس از مرگ نویسنده منتشر می‌شوند و زندگی می‌کنند. هرگاه کسی، حتی به آرامی، کتابی را می‌خواند، متن تغییر می‌کند. واقعیت خواننده شدن باعث می‌شود توانایی‌هایی که از سوی نویسنده نادیده گرفته شده، دیده شود. شاید یک کتاب خوب هرگز با چیزی که نویسنده در نظر داشته منطبق نباشد. اما آن شعری که انگیزه مراجعه من به این کتاب بود. اجازه بدهید اول ترجمه دیگری از شعر را که سال‌ها پیش در مجله «کیان» خوانده و از همان جاراوونسی کرده بودم بیاورم: «آن کس که ترجیح می‌دهد حق با دیگران باشد» یکی از اندیشه‌های اصلی شعر است



که در ارتباط است با چند سطر بالاتر آن جا که شاعر می‌نویسد «آن کس که ظلمی را که برآورفته توجیه می‌کند یا دلش می‌خواهد که توجیه کند.» اعتراضی یا انتقادی که به این اندیشه می‌شود این است که آیا بورخس دارد توصیه می‌کند چشم بر جنایات جنایتکاران و ظلم ظالمان ببندیم و صدای مان در نیایم. برداشت خودم این است که ضرورتی ندارد این گفته را به حادثه‌ترین شکل‌های بی‌عدالتی گسترش داد. بورخس دارد می‌گوید در هزاران مرافعه و اختلافی که با هم‌نوعان مان داریم، آدم‌های باانصاف (که ما گاهی آدم‌های ضعیف می‌دانیم‌شان) فکر می‌کنند شاید هم حق با طرف مقابل باشد. حتی مهم‌تر از این، گاهی دوست دارند اصلاً حق با طرف مقابل باشد، بخصوص اگر این طرف مقابل کسی باشد که دوستش داریم. به هر روی بورخس می‌گوید این‌ها، این آدم‌های منصف، آن آدم‌هایی هستند که ناخواسته جهان را نجات می‌دهند. شاید بگویید این تفسیر به رأی است. شاید. اما اگر به نمونه‌های دیگری که در شعر آمده است نگاه کنیم می‌بینیم که همه جا صحبت از یک سبک زندگی روزانه است نه موضع‌گیری در قبال مواضع و رویدادهای سیاسی بزرگ.



### بهشت‌های گمشده: گزیده شعرهای خورخه لوییس بورخس

**نویسنده:** خورخه لوییس بورخس  
**مترجم:** حسن تهرانی / ویرایش م. آزاد  
**ناشر:** مشکی